

# آراء تربیتی سعدی

سید نعمت الله ابطحي \*

## مقدمه

سراسر قلمرو اسلامی در شروع قرن هفتم هجری در آشفتگی کامل و هرج و مرج فرو رفته بود. حکمرانان به هم اعتماد نداشتند و دائم در فکر به دست آوردن فرصتهایی برای براندازی یکدیگر را در سر می‌پروراندند. مردم ایران هنوز مغولان را کاملاً نمی‌شناختند ولی آزار و ستم بی‌حد سپاهیان و حکام خوارزمشاهیان را با گوشت و پوست خود حس می‌کردند. زن و فرزند خود را از دست می‌دادند و از گرسنگی و محرومیت رنج می‌بردند و به همین دلیل گه گاه شهرها و دهات در مسیر حرکت مغول بدون مقاومت تسلیم می‌شدند.

در طول سال‌های ۶۱۶ تا ۶۲۰ سراسر ایران و قسمت‌هایی از روسیه در زیر سم ستوران مغولان ویران شد و بعد از آن، حملات برای تاراج و غارت شهرهای نیمه مخروبه و نیمه سوخته انجام می‌گرفت.

ابوبکر بن سعد با توجه به خطری که از جانب مغولان متوجه او بود، برادرش تهمتن را نزد اوکتای قآن فرستاد و داوطلبانه قلمرو خود را تحت حمایت او قرار داد و مجبور شد تا خراج‌گذار مغولان گردیده و شهنه آنان را نزد خود بپذیرد. در این ایام شیخ سعدی کودکی ۱۲ یا ۱۳ ساله بود که پدرش فوت کرد. سعدی سال‌های اولیه‌ی زندگی خود را در محیطی پر آشوب سپری کرد و آنگاه همراه مادر خود به بغداد عزیمت نمود و مدتی را در نظامیه‌ی بغداد به تحصیل پرداخت. اما آرام نگرفت و جهان‌گردی را پیشه کرد. یان، ریکا می‌گوید: «طبع سرگشته سعدی عصای جهان‌گردی در کفش نهاد، بسی جاها و چیزها را سیر کرد و دید ولی بسیاری هم از خود بر آن افزود تا سرگرم سازد و بیاموزد. سیاحت وی را در بین‌النهرین و آسیای صغیر، سوریه، مصر و مکه می‌توان مسلم دانست، لکن سفرهایش به کاشمر و هندوستان قابل قبول نیست<sup>(۱)</sup>» سعدی در حدود ۶۵۰ هجری به شیراز برمی‌گردد<sup>(۲)</sup> و در طول

۸ سال اول (از ورود به شیراز تا زمان مرگ ابوبکر) دوران درخشان خود را داشته است و گلستان و بوستان را در این دوره نوشته است. با توجه به این دو کتاب عظیم و دیگر سروده‌های وی می‌توان گفت او مطالعه‌ای عمیق در اسلام داشته و تأثیرات مسافرت‌ها از او مردی فرهیخته ساخته است که توجه زیادی به مسائل اخلاقی و تربیتی دارد.

در زمینه‌ی اخلاق و تربیت و الگوی علمی بودن سعدی سخنان فراوانی آمده است. از جمله: دکتر عیسی صدیق می‌گوید: «شاید بتوان او را (سعدی) بزرگ‌ترین و منتفذترین مربی و معلم اخلاق عملی در ایرن دانست<sup>(۳)</sup>»

آربری می‌گوید: «سعدی عالیتین اخلاق‌نگرای *Moralist* ایران است، همان‌گونه که فردوسی بزرگ‌ترین استاد حماسه و حافظ بر جسته‌ترین شاعر غزل‌سرا است<sup>(۴)</sup>»

استاد بهار می‌نویسد: «بعد از کلیله و دمنه که کتابی است دنیایی و بنیاد آن کتاب در دولت ساسانیان و کیش زرتشت - یعنی دولت و مذهبی دنیایی و امپراتوری بزرگ حامی و نگهبان جهان - ریخته شده، کتابی مانند گلستان که تقلید از کلیله نباشد، ولی با همان روح دنیایی تالیف شده باشد در نثر فارسی وجود ندارد<sup>(۵)</sup>».

\* عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی و مدرس دانشگاه‌های اصفهان علوم پزشکی

۱- یان، ریکا و همکاران، ترجمه عیسی شهبایی، تاریخ ادبیات ایران: تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴، ص ۳۹۵

۲- عیسی صدیق، تاریخ و فرهنگ ایران، سازمان تربیت معلم و تحقیقات تربیتی، ص ۱۶۹

۳- عیسی صدیق: تاریخ فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۴۲، ص ۱۷۱  
4- A.Arberry.Immoral Rose. London. 1948. p. 25.

۵- ملک الشعرا بهار: سبک‌شناسی. تهران، ۱۳۳۷، جلد سوم ص ۱۲۶-۱۲۷

احمد بهمنیار می‌گوید: «از دانشمندان سلف تنها او است که اصول علم اخلاق را از راه تعقل و استدلال و قواعد علمی به طریق مشاهده و استقراء دریافته است»<sup>(۱)</sup>.

دکتر رضازاده شفق می‌نویسد: «کمتر گوینده و کمتر کتابی در بین دانایان بشر و تألیفات آن‌ها پیدا توان کرد که این‌گونه استادانه به‌اسرار زندگی برخورد و چنین اصول محکم برای آن تبیین کرده باشد»<sup>(۲)</sup>.

دکتر علی شریعتمداری می‌گوید: «بحث درباره نظرات سعدی، بزرگ‌ترین شاعر و نویسنده ایران، آن‌هم در زمینه تربیت کاری است پیچیده و نیاز به مطالعه و بررسی همه جانبه دارد... آثار سعدی، چه منظوم و چه در نثر همه در برگرفته اندیشه‌های تربیتی این مرئی بزرگ است...<sup>(۳)</sup> و آن‌گاه اضافه می‌کند «تربیت به معنای اصطلاحی کلمه نیز از نظر سعدی دور نمانده است. سعدی درباره بعضی از مسائل تربیتی مثل تفاوت‌های فردی، تأثیر عوامل ارثی و محیطی در رفتار فرد، نقش تنبیه و تشویق در رفتار شاگردان و هم‌چنین در رسالت دانایان و معلمان، در تحکیم ارزش‌های انسانی و معنوی به بحث می‌پردازد.»

دکتر محمدعلی طوسی می‌گوید: «سعدی، شاعر بلند آوازه و شیرین سخن ایرانی یکی دیگر از متفکرانی است که از باب تعلیم و تربیت عقایدی ابراز کرده است، یک باب از کتاب گلستان را به تأثیر تربیت اختصاص داد»<sup>(۴)</sup>.

محمدعلی امامی می‌گوید: «نصیحت‌گوئی و راهنمایی‌های سعدی که ما آن را در اینجا بر اطلاق، به معنای تعبیر می‌کنیم، از سوی او با استشعار و به قصد هدایت تعلیم و تأثیر صورت گرفته و به این جهت دارای روش و هدف است که مخصوصاً در باب هفتم گلستان تحت عنوان (تأثیر تربیت) و نیز باب هفتم بوستان زیر نام (در عالم تربیت) و نیز در باب هشتم گلستان به اسم (در آداب صحبت) و جابجا در سایر ابواب این دو کتاب و هم‌چنین در سایر آثار شیخ می‌توان به نظریات او در زمینه تعلیم و تربیت وقوف یافت»<sup>(۵)</sup> زیبایی کلام و روانی سخن سعدی به نحوی است که از زمان سعدی تاکنون مورد استفاده اهل سخن قرار گرفته و برای عوام و خواص بازگو شده است. این استمرار کلام باعث شده است

که در اذهان جایی برای خود باز کرده و در رفتار و کردار مؤثر افتد. اما در کنار نوشته‌های اخلاقی سعدی، سخنانی را می‌بینیم نظیر باب پنجم گلستان که وجودشان توجه‌پذیر نیست. به هر حال این نیز یکی از مواردی است که باید با تحقیق بیشتر به آن پاسخ داد. گفته می‌شود که وضعیت محیط اجتماعی سعدی پاسخگوی نوشته‌هایی نظیر باب پنجم گلستان است. این نیز از مواردی است که باید در آن تأمل کرد.

### توجیه نوشته‌های سعدی

یان ریپکا می‌گوید: «... ولی نباید از نظر دور داشت که این دو کتاب آثاری به تمام معنی ادبی است (گلستان و بوستان) و از این رو نمی‌توان آنچه را شاعر در آنها راجع به خود می‌گوید کاملاً مطابق با واقع تلقی کرد. صدق این مدعا را می‌توان از روی پاره‌ای حکایات و جزئیات به تحقیق ثابت کرد. این گفته‌ها فقط به ظاهر شرح حال خود اوست و اکثراً با اینکه نمی‌توان آنها را بکلی غیرممکن دانست، بعید به نظر می‌رسد. البته از نظر خیالبافی‌های شاعرانه ایرادی بر او وارد نیست»<sup>(۶)</sup>.

بیچاره ریپکا (مثل بسیاری دیگر) درمانده است، نمی‌تواند غیرممکن بداند که برخی از حکایات شرح حال سعدی است، ولی این قدر از برخی از نوشته‌ها تبری می‌جوید که آنها را خیالبافی شاعرانه می‌داند. آیا ما مطالعه‌کنندگان نیز حال و روز بهتری داریم؟ بخصوص وقتی به داستان‌هایی نظیر «در عنفوان جوانی...»

۱- احمد بهمنیار: سعدی نامه، ص ۶۵۳

۲- رضازاده شفق: سعدی نامه، ص ۶۸۳

۳- علی شریعتمداری: ذکر جمیل سعدی، جلد دوم، تربیت از نظر سعدی، ص ۵-۳۲۴

۴- محمد علی طوسی، مسعود رضوی، تاریخ آموزش و پرورش، ۱۳۵۲، ص ۲۸

۵- محمدعلی امامی: ذکر جمیل سعدی، جلد اول، ۱۳۶۲، سعدی آموزگار قرون، ص ۱۳۹

۶- یان - ویپکا: ترجمه عیسی شهابی، تاریخ ادبیات ایران، ۱۳۵۴ ص ۳۹۴

یا... چنان‌که افتد و دانی... و یا قاضی همدان» در باب پنجم گلستان سعدی بر خورد می‌کنیم.

«... بی‌شک ملحقات و اضافات بسیاری از دیگران در آن راه یافته است»<sup>(۱)</sup> این راه فرار دیگری است که نویسنده دارد و راهی جز انتصاب این نوشته‌ها به دیگران برایش نمانده است. دکتر سیاسی نیز به این نکته توجه داشته و تیپ شخصیتی سعدی را در گروهی قرار داده است که دارای خصایص و ویژگی‌های بیان شده باشد.

به هر حال نه سعدی زنده است که دفاعیاتش را گوش کنیم و نه نوشته‌ها زبان دارند که انتصاب خود را به سعدی رد یا قبول کنند. بعضی از محققان، گویندگان و نویسندگان هم نخواستند یا نتوانسته‌اند وارد این مقوله شوند و شتر دیدی ندیدی را ترجیح داده‌اند و خلاصه وضع بهتر از بنده و شما خواننده‌ی عزیز ندارند و سعی می‌کنند همین‌طوری که ما صدایش را در نمی‌آوریم و کوتاه و سریع می‌گذریم آنان نیز چنان کنند.

### آثار سعدی:

آثار سعدی از قدیم‌الایام به صورت جدا و یا به صورت یک مجموعه قلمی شده و یا چاپ گردیده است. کلیات سعدی مجموعه‌ای از آثار اوست که شامل رسالات، بوستان، گلستان، ملحقات و ترجیحات، قصاید و غزلیات است.

بوستان: اثری منظوم و در قالب مثنوی و بحر متقارب و در ده باب نوشته شده و شامل ابواب:

در عدل و تدبیر و رای

در عشق و مستی و شور

در رضا

در عالم تربیت

در توبه و راه صواب

در احسان

در تواضع

در قناعت

در شکر بر عافیت

و در مناجات و ختم کتاب می‌باشد.

گلستان: کتابی است با نظم و نثر و در ۸ باب نوشته شده و یکی

از آثار بزرگ ادب فارسی است. ابواب گلستان عبارتند از:

در سیرت پادشاهان  
در فضیلت قناعت  
در عشق و جوانی  
در تأثیر تربیت  
در اخلاق درویشان  
در فواید خاموشی  
در ضعف و پیری  
در آداب صحبت

قصاید: که در آنها به ستایش و حمد و مدح توجه دارد و ممدوحان را به رعایت عدل و انصاف و عبرت‌گیری از روزگار دعوت می‌کند.

غزلیات: که خود به طبیعت، بدایع و خواتیم تقسیم می‌شود که حاوی معانی عاشقانه و عارفانه است.

### هدف تربیت و تعریف انسان از نظر سعدی

دکتر عیسی صدیق می‌گوید: از نظر سعدی منظور از آموزش و پرورش، آنست که کودک را با دیانت، پرهیزگار، خردمند، سخن‌دان بار آورند و چنان تربیت کنند که در بزرگی دست حاجت پیش کسی دراز نکند<sup>(۲)</sup>.

دکتر محمدعلی طوسی و مسعود رضوی می‌گویند: سعدی، هدف تربیت را دینداری و پرهیزگاری و کسب فضیلت‌های اخلاقی می‌داند<sup>(۳)</sup>.

دکتر بدیع‌الله دبیرنژاد می‌گوید که سعدی معتقد است که کودک را باید با دیانت و با تقوی، خردمند و سخندان و شایسته‌ی زندگی بار آورد، او را چنان که بایسته و شایسته است تربیت نمایند تا در بزرگی دست حاجت پیش این و آن دراز نکند<sup>(۴)</sup>.

۱- همان منبع

۲- عیسی صدیق، تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا امروز، ۱۳۴۲، تهران، ص ۱۷۴

۳- محمد علی طوسی، مسعود، رضوی، تاریخ آموزش و پرورش، ۱۳۵۲، تهران، ص ۷۸

۴- بدیع‌الله دبیرنژاد، ذکر جمیل سعدی، جلد دوم، چند نظر تربیتی و

محمدعلی امامی می‌گوید: هدف سعدی تربیت و پروردن افراد با ایمان و متکی به نفس است که برای خود، خانواده‌ی خود و جامعه خود مفید باشد و برای نیل به این هدف باید در تربیت نوآموز تحمیل کرد و او را دیندار، پرهیزکار، درستکار، فروتن، خوشخو، قانع، منصف، حق‌شناس، نیکوکار، دارای عزت نفس، صاحب هنر و پیشه و باسواد پرورش داد<sup>(۱)</sup>.

تعریف انسان از نظر سعدی: انسان کامل‌ترین و شریف‌ترین موجود خدا و نماینده‌ی او در زمین و تحت نظر او و قابل احترام است. او آزاد و انتخابگر است، بنابراین مسؤول همه‌ی اعمال و افعال خویش می‌باشد.

حیات آدمی یک عطیه‌ی الهی است و بنابراین مقدس است و حفظ آن واجب

به‌مردی که ملک سراسر زمین نیززد که خونی چکد بر زمین (بوستان، ص ۲۷)

سعدی متأثر از حدیث نبوی «مَثَلُ الْمَؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ الْوَاحِدِ، إِذَا شَتَّكَ مِنْهُ عَضْوٌ تَدَاعَتْ لَهُ سَائِرُ الْأَعْضَاءِ بِالسَّهْرِ وَالْحَمِي»

مؤمنان در مودت و محبت و رحم و شفقت بر یکدیگر مانند یک بدن هستند، اگر عضوی از آن بدن از دردی شکایت کرد، سایر اعضا در بی‌خوابی و تب با آن عضو اظهار هم‌دردی می‌کنند.

سعدی می‌گوید:

بنی‌آدم اعضای یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی ببرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار  
تو کز محنت دیگران بی‌غمی نشاید که نامت نهند آدمی

اصول آموزش و پرورش به‌نظر سعدی: سعدی در آموزش و پرورش به‌اصولی معتقد است که در خلال اشعار خود به‌آنها اشاره کرده است از جمله:

۱ - اصل زمان تربیت: سعدی شروع تربیت را در کودکی می‌داند و تأخیر در آن را جبران‌ناپذیر تلقی می‌کند، چنانکه می‌گوید:

هر که در خردیش ادب نکنند در بزرگی فلاح از او بر خاست  
چوب‌تر را چنانکه خواهی پیچ نشود خشک جز به‌آتش راست

۲ - اصل توارث: سعدی در زمینه‌ی توارث می‌گوید:

شمشیر نیک ز آهن بد چون کند کسی

ناکس به‌تربیت نشود ای حکیم کس

و یا:

باران که در لطافت طبعش خلاف نیست

در باغ لاله روید و در شوره زار خس

و یا:

اصل بد نیکو نگرده چونکه بنیادش بداست

تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است

و یا:

عاقبت گرگ‌زاده گرگ شود گر چه با آدمی بزرگ شود

و یا:

چون بود اصل گوهری قابل تربیت را دراو اثر باشد

هیچ صیقل نکو نداند کرد آهنی را که بدگهر باشد

و یا:

پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بداست

تربیت ناهل را چون گردکان بر گنبد است

و یا:

به‌کوشش نوید گل از شاخ بید نه زنگی به گرمابه گردد سپید

و یا:

اگر آب زندگی بارد هرگز از شاخ بید بر نخوری

با فرومایه روزگار مبر کز نی بوریا شکر نخوری

و یا:

جواهر اگر در خلاب افتد همان نفیس است و غبار اگر بفلک  
رسد همان خسیس.

همان‌طور که دیده می‌شود، سعدی معتقد است که وراثت در تربیت نقش بزرگی دارد و کسانی که ناکس، ناهل، بدگهر،

گرگ‌زاده، بداصل، بدبنیادند قابل تربیت نیستند و تلاش برای

اخلاق و مذهب سعدی، ۱۳۶۴، ص ۴۹-۵۰

۱- محمدعلی امامی، ذکر جمیل سعدی، جلد اول، سعدی آموزگار قرون،

تهران، ص ۱۴۰-۱۳۹

تربیت آنان اثر نخواهد داشت.

۳ - اصل اثر محیط

سعدی درباره‌ی اثر محیط و تربیت می‌گوید:

گلی خوشبو در حمام روزی

رسید از دست محبوبی به‌دستم

بدو گفتم که مشکی یا عبیری

که از بوی دل‌آویز تو مستم

بگفتا من گلی ناچیز بودم

ولیکن مدتی با گل نشستم

کمال هم‌نشین در من اثر کرد

وگر نه من همان خاکم که هستم

و یا:

جامه کعبه را که می‌بوسند او نه از کرم پيله نامی شد

با عزیزی نشست روزی چند لاجرم همچو گرامی شد

همان‌طور که دیده می‌شود سعدی به‌همان اندازه که روی وراثت

تأکید دارد، روی محیط نیز پافشاری می‌کند. این ابیات و ابیات

مربوط به‌وراثت در کنار یکدیگر مفهوم درستی را انتقال نمی‌دهد.

ظاهراً محققینی که در این زمینه اندیشیده‌اند نیز به‌جایی

نرسیده‌اند و توجیهی که داشته‌اند را نارسا دانسته‌اند.

۴ - اصل تفاوت‌های فردی و نقش استعداد: در مورد نقش و

اهمیت استعداد، سعدی چنین می‌گوید:

وقتی افتاد فتنه‌ای در شام هر کس از گوشه‌ای فرا رفتند

روستازادگان دانشمند به‌وزیری پادشاه رفتند

پسران وزیر ناقص عقل به‌گدایی به‌روستا رفتند

و یا در مورد داستان تربیت فرزندان ملک

«تربیت یکسان است و طبایع مختلف»

و یا

«استعداد بی‌تربیت دریغ است و تربیت نامستعد ضایع»

و یا

چون بود اصل گوهری قابل تربیت را در او اثر باشد

سعدی معتقد است که توجه به‌استعدادها و پرورش آنها امری

است که در تعلیم و تربیت باید مورد توجه خاص قرار گیرد و

انتظارات ما در تعلیم و تربیت باید متناسب با استعداد متعلمان باشد.

۵ - اصل تربیت‌پذیری

سعدی معتقد است که کودک قابلیت تربیت دارد و حدی برای

این تربیت متصور نیست، او می‌گوید:

پیداست قطره‌ای که به‌قیمت کجا رسد

لیکن چو پرورش بودت دانه‌ی ذری

۶ - اصل استفاده از حواس:

ترا دیده در سر نهادند و گوش

دهان جای گفتار و دل جای هوش

مگر بازدانی نشیب از فراز

نگوئی که این کوتاه است آن دراز

۷ - اصل کنجکاوای کودک: سعدی کنجکاوای، جستجوگری و

سؤال کردن را تشویق می‌کند و آن را در کسب دانش و دانایی مؤثر

می‌داند. او می‌گوید:

پیرس هر چه ندانی که ذل پرسیدن

دلیل راه تو باشد بعضی دانائی

۸ - اصل عمل و به‌کاربری علم: سعدی تأکید فراوانی در عمل

به‌علم می‌کند و علم بی‌عمل را درخت بی‌ثمر میدانند: عالم بی‌عمل

درخت بی‌بر است

و یا

گفتند عالم بی‌عمل بی‌چه ماند؟ گفت به‌زنبور بی‌عسل

و یا

علم چندانکه بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی

نه محقق بود نه دانشمند چارپایی بر او کتابی چند

آن تهی مغز را چه علم و خبر که بر او هیزم است یا دفتر

و یا:

عالمی را که گفت باشد و بس هر چه گوید نگیرد اندر کس

و یا:

هر علم را که کار نیاری چه فایده

چشم برای آن بود آخر که بنگری

۹ - اصل پیوستگی یادگیری: مطالب جدید وقتی درک شده و

فهمیده می‌شود که با دانش قبلی در آن زمینه پیوند یابد و وقتی این پیوند حاصل شد، زمینه برای یادگیری جدیدتر فراهم می‌شود. آثار فهم و درک در متعلم وقتی ظاهر می‌شود که اشتیاق به یادگیری در او ظاهر شود و به اصطلاح دانش‌آموز سر و پا گوش شود. اگر دانش‌آموز قادر نباشد پیوند لازم را بین پیش دانسته‌های خود و مطالب جدید پیدا کند از تعامل پرهیز می‌کند و از دریافت مطلب عاجز می‌ماند.

فهم سخن چون نکند مستمع قوت طبع از متکلم مجوی  
قسمت میدان ارادت بیار تابزند مرد سخنگوی گوی  
۱۰ - اصل تازگی مطلب (نوطلی): مطالبی که بارها گفته و تکرار شده است، ایجاد جلب توجه نمی‌کند و شاگردان را به خمودگی و بی‌علاقگی می‌کشد. تازگی مطلب، کنجکاوی و شوق به یادگیری را برمی‌انگیزاند و پویایی و تعامل را سبب می‌شود. سعدی می‌گوید:

سخن گرچه دل بند و شیرین بود

سزاوار تصدیق و تحسین بود

چون یکبار گفتم مگو باز پس

که حلوا چو یکبار خوردند بس

۱۱ - اصل توجه به نیازهای کودک و حمایت از او: تأمین

نیازهای کودک از اصول مهم در تربیت اوست. کودکی که مورد بی‌مهری و بی‌توجهی قرار گیرد، در رشد و تکامل شخصیت خود با اشکال روبرو می‌شود.

پسر را نکودار و راحت رسان که چشمش نماند بدست کسان  
این بدین معنی نیست که کودک هر چه را که هوس می‌کند برای

او تأمین کرد، زیرا جریان طبیعی زندگی چنین نیست و در طول زندگی بسیاری از خواسته‌های انسان برآورده نمی‌شود. کودک اگر به این باور برسد که همه‌ی خواسته‌های او اجابت می‌شود در سال‌های بزرگی و استقلال فردی با ناکامی‌های فراوان روبرو می‌شود. سعدی می‌گوید:

پسر چون پدر نازکش پرورد بسا روزگارا که سختی برد

۱۲ - اصل آزادی و اختیار: انسان موجودی بین فرشته و

شیطان است. در این میان، اوست که انتخاب می‌کند که چه باشد

یعنی انسان انتخاب‌گر است. سعدی می‌گوید:

آن راه دوزخ است که ابلیس می‌رود

بیدار باش تا پی او راه نسپری

راهی بسوی عاقبت خیر می‌رود

راهی به سوء عاقبت اکنون مخیری

۱۳ - اصل تقویت خویشتن داری: سعدی می‌گوید:

مرا دهر که بر آری مطیع امر تو گشت

خلاف نفس که فرمان دهد چو یافت مراد

و یا:

وجود تو شهری است پرنیک و بد

تو سلطان و دستور داناخرد

رضا و ورع نیک‌نامان حر

هوی و هوس رهزن و کیسه‌بر

ترا شهوت و حرص و کین و حسد

چو خون در رگ‌اند و جان در جسد

هوا و هوس را نماند ستیز

چو بینند سر پنجه عقل تیز

رئسی که دشمن سیاست نکرد

هم از دست دشمن ریاست نکرد

۱۴ - اصل تشویق و تنبیه: سعدی به تشویق و تنبیه توجه

خاص دارد و میانه‌روی در آن را تأکید می‌کند.

«به نیک و بدش وعده و بیم کن»

طبیعت شود مرد را بخردی بامید نیکی و بیم بدی

و یا:

درشتی و نرمی بهم در به است

چو رگ زن که جراح و مرهم نه است

درشتی نگیرد خردمند پیش

نه سستی که نازل کند قدر خویش

با این حال، سعدی گاهی نظریات دیگری ابراز می‌دارد:

بخردی درس زجر و تعلیم کن

و یا:

هر آن طفل کاو جور آموزگار

نبیند، جفا بیند از روزگار  
ندانی که سعدی مراد از چه یافت

نه هامون نوشت و نه دریا شکافت  
بخردی بخورد از بزرگان قفا

خدا دادش اندر بزرگی صفا  
و سپس می‌گوید:

نوآموز را ذکر و تحسین و زه ز تو بیخ و تهدید استاد به  
بار دیگر سعدی تنوع در کاربری تشویق و تنبیه را توصیه  
می‌کند.

وقتی به لطف گوی و مدارا و مردمی

باشد که در کمینه قبول آوری ولی

وقتی به قهر گوی که صد کوزه نبات

گه چنان به کار نیاید که حنظلی

و یا:

پادشاهی پسر به مکتب داد لوح سیمش بر کنار نهاد

بر سر لوح او نوشته به زر جور استاد به زمهر پدر

## روش آموزش و پرورش

در نوشته‌های سعدی به‌عنوان روش آموزش و پرورش چیزی  
مطرح نگردیده است، ولی در اشعار و داستان‌های او مطالبی آمده  
است که با در کنار هم قرار دادن آنها برخی از ویژگی‌های روش

تعلیم و تربیت او را روشن می‌کند. اولین نکته‌ای که در زمینه‌ی  
روش تعلیم و تربیت در نوشته‌های سعدی جلب توجه می‌کند

مسأله‌ی آمادگی متعلم برای شروع آموزش است. آمادگی در  
یادگیری نقش بسیار حساسی دارد. کودکی که آمادگی لازم را

ندارد، تلاشی برای یادگیری از خود نشان نمی‌دهد، با معلم و  
شاگردان دیگر تعامل نمی‌کند، ارتباط محکمی با محتوای آموزشی

برقرار نمی‌نماید و به بیان دیگر حضور همه جانبه در محفل تربیتی  
ندارد. سعدی به این نکته توجه دارد و می‌فرماید:

حکایت بر مزاج مستمع گوی اگر خواهی که دارد با تو میلی  
ایجاد آمادگی را سعدی در جلب علاقه‌ی کودک می‌بیند و

می‌گوید: «تلمیذ بی ارادت عاشق بی زر است.»

بی شک علاقه و توجه شاگردان فعالیت و تلاش بیشتر معلم را  
سبب می‌شود و باعث رغبت معلم و تعامل بیشتر او می‌شود،

بنابراین علاقه‌ی دو طرفه پیدا می‌شود و این ارتباط دو طرفه  
متوجه موضوع درس شده و جذب ساده مطالب را باعث می‌شود.

فهم سخن چون نکند مستمع قوت طبع از متکلم مجو  
دومین نکته‌ای که در روش‌ها می‌توان یافت: استفاده از دانش

پیشین یا تجربه‌ی قبلی متعلم است.

موضوع درس و محتوای آن باید به‌نحوی به دانسته‌های قبلی  
دانش‌آموز مربوط شود تا یادگیری با سهولت بیشتری حاصل گردد

و این مطلب در علم برنامه‌ریزی درسی به‌نام ارتباط عمودی  
محتوای درس نام‌گذاری شده است. اگر دانش‌آموز دانش یا

اطلاعات قبلی مربوط به درس را در اختیار داشته و برای خود  
سازماندهی کرده باشد، می‌تواند بفهمد که این بحث تازه از دانش

به‌چه نحو با اطلاعات قبلی ارتباط پیدا می‌کند. این مفهوم را  
می‌توان پیوستگی و سازماندهی محتوای برنامه‌ها تلقی کرد.

شعر فوق به این مفهوم هم اشاره دارد.

سومین نکته تازگی مطلب است. تازگی مطلب درسی به کمک

اولین و دومین نکته می‌آید، مطالبی که چندین بار مطرح گردیده  
جاذبه کمی دارد. معلم باید سعی کند مطالب جدید را با روشی که

بر انگیزاننده باشد ارائه دهد. سعدی می‌گوید:

سخن گر چه دل بند و شیرین بود

سزاوار تصدیق و تحسین بود

چو یک بار گفتنی مگو باز پس

که حلوا چو یکبار خوردند بس

چهارمین نکته استفاده از تابه و تشویق برای یادگیری است. در  
بیان اصول آموزش و پرورش نظریات سعدی را درباره‌ی تشویق و

تنبیه آوردیم در اینجا تنها اشاره‌ای کوتاه داریم. اگر از ابیات:  
بخردی درش زجر و تعلیم کن...

و هر آن طفل کاو جور آموزگار...

بگذریم و به ابیات زیر بیشتر توجه کنیم، آسان‌تر می‌توانیم پند

سعدی را بگیریم:

به نیک و بدش وعده و بیم کن...

نوآموز را ذکر و تحسین و زه ز توبیخ و تهدید استاد به با تشویق می‌توان توجه کودکان را به فعالیت‌های یادگیری جلب کرد و ثمربخشی فعالیت‌های آنان را افزایش داد.

پنجمین نکته، تشویق دانش‌آموزان به شرکت در فعالیت‌های یادگیری است. بدین معنی که معلم موقعیتی فراهم کند که دانش‌آموزان با اشتیاق در تدریس - یادگیری شرکت کنند. یکی از مظاهر این اشتیاق و مشارکت، طرح سؤال‌هایی از طرف دانش‌آموزان، از معلم و از شاگردان دیگر و پاسخ‌گویی به این سؤال‌هاست. اگر معلم تلاش کند تا طرح سؤال به‌عنوان یک ویژگی مثبت شاگرد تلقی شود، باعث جلب توجه به مسائل و تلاش برای یافتن پاسخ و یا راه حل‌های مربوط خواهد شد. سعدی می‌گوید:

پرس هر چه ندانی که ذل پرسیدن

دلیل راه تو باشد بعز دانایی

و یا امام مرشد غزالی را پرسیدند که چگونه رسیدی بدین منزل در علوم؟ گفت بدان‌که هر چه ندانستم از پرسیدن آن ننگ نداشتم. ششمین نکته که در تعلیم و تربیت کودکان باید مورد توجه قرار گیرد استعداد کودکان است. روش آموزش باید متناسب با استعداد و توانایی‌های یادگیری باشد و اگر چنان نشود ضایعات زیادی بوجود خواهد آمد. سعدی می‌گوید:

«حکایت: پادشاهی پسری را به‌ادبی داد و گفت: این فرزند توست، تربیتش هم‌چنان کن که یکی از فرزندان خویش، ادیب خدمت کرد و متقبل شد و سالی چند بر وی سعی کرد و بجای نرسید و پسران ادیب در فضل و بلاغت منتهی شدند. ملک دانشمند را مؤاخذت فرمود که: وعده خلاف کردی و وفا بجا نیاوردی. گفت: بر رأی خداوند روی زمین پوشیده نماند که تربیت یکسان است و طبایع مختلف.»

در اینجا باید اشاره کرد که اگر طبایع مختلف است، روش نیز باید متنوع باشد تا افراد متناسب با توانایشان بهره بگیرند.

هفتمین نکته در روش آموزش و پرورش: استفاده از حواس پنجگانه است. گفته می‌شود که ۷۵ تا ۸۳٪ از یادگرفتنی‌ها از طریق دیدن و چیزی حدود ۱۲٪ از طریق شنیدن و ۵ تا ۱۲٪ از طریق

حواس: چشایی، بساوی و بویایی جذب و یاد گرفته می‌شود. ما در قید این نیستیم که ثابت کنیم و یا استناد کنیم که این مطلب درست است یا نه و تحقیقاتی که در این زمینه شده است، آیا ترکیب حواس (مثلاً بینایی و شنوایی و...) و یا اثر حواس درهم را نیز در نظر گرفته‌اند یا نه و یا تفاوت افراد در این تحقیقات چه نقشی داشته است. فقط می‌خواهیم بگوییم که حواس در امر آموزش و پرورش (در یادگیری) نقش مهمی به‌عهده دارد و سعدی نیز در این زمینه توجه کرده است. در روش‌های معمولی فعلی از حواس به‌اشکال مختلف استفاده می‌شود و تکنولوژی آموزشی از آنها به‌خوبی بهره گرفته است.

ترا دیده در سر نهادند و گوش

دهان جای گفتار و دل جای هوش

مگر باز دانی نشیب از فراز

نگویی که این کوتاه است آن دراز

هشتمین نکته‌ای که در روش‌ها باید در نظر گرفته شود، کاربرد مفاهیم است. کاربرد در دروس مختلف متفاوت است. در ریاضیات کاربرد فرمول‌ها در حل مسائل، در علوم تجربه و آزمایش و...

خلاصه نوعی عمل کردن و دریافت نتایج است. سعدی در مورد علم و عمل بسیار صحبت کرده است. نمونه‌هایی از آن‌ها در اینجا آمده است.

«علم بی‌عمل درخت بی‌بر است.»

علم چندان که بیشتر خوانی چون عمل در تو نیست نادانی نهمین نکته و مهم‌ترین نکته در تعلیم و تربیت همراهی و هم‌احساسی است که در یک محیط انسانی به‌وجود می‌آید. اینکه افراد هم‌دیگر را بپذیرند و برای هم احترام قایل شوند و بتوانند مجموعاً به‌عنوان یک پیکر واحد در آیند، وحدت پیدا کنند و در سرور و غم هم‌دیگر شریک شوند، این آن فرآیندی است که از تربیت فعال و پویا و مطلوب به‌دست می‌آید.

متأسفانه در بیشتر جاها به‌این نکته اساسی توجه نشده است اگر سعدی تنها همین نکته را گفته بود، در واقع همه چیز را گفته بود.



بنی آدم اعضاء یک پیکرند که در آفرینش ز یک گوهرند  
چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار  
توکز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

### معلم و نقش او

در تعلیم و تربیت یکی از مهم ترین عوامل معلم است. به بیان  
یکی از بزرگان تعلیم و تربیت، معلم خوب همه چیز است و بدون  
معلم خوب همه تسهیلات آموزشی بی فایده است.

سعدی درباره ی نیت معلم، هنر معلم، کاردانی و ویژگی های  
معلم به صورت پر اکنده اظهار نظر نموده که برخی از آنها به شرح زیر  
است:

۱ - نیت معلم: کامیابی و موفقیت در امور (از جمله امر تعلیم)  
با توکل به خدا و نیت پاک است و این امر در مقابل تخصص و  
کاردانی در درجه ی اول اولویت است.

بخت و دولت بکاردانی نیست جز بتأیید آسمانی نیست

۲ - رسالت معلم: رسالت معلم وقتی به خوبی انجام می گیرد که  
معلم دارای هنر معلمی باشد و این هنر در ارتباط مطلوب انسانی  
شکل می گیرد. معلمی از معدود مشاغلی است که بیش ترین روابط  
انسانی را در بر دارد و اگر معلم دارای هنر ایجاد روابط مطلوب  
نباشد، در کارش توفیق به دست نمی آورد. معلم نباید تنها  
به استعدادش متکی باشد. باید در جستجوی مهارتهایی باشد که  
تشکیل ارتباطات را تسهیل می کند.

چو کنعان را طبیعت بی هنر بود پسمبرزادگی قدرش نیفزود  
هنر بنما اگر داری نه گوهر گل از خارست و ابراهیم از آذر

۳ - اطلاعات معلم: یکی دیگر از خصوصیات مهم معلم  
داشتن اطلاعات کافی در زمینه ی علوم انسانی بخصوص  
روان شناسی است تا به کمک آن بتواند ویژگی های جسمی - روحی  
و عقلی دانش آموزان را بشناسد و بر مبنای این شناخت جریان  
آموزش را نظم دهد و از آن در تربیت کودکان استفاده نماید.

سعدی در این زمینه می گوید:

امید عافیت آنکه بود موافق عقل

که نبض را به طبیعت شناس بنمایی

۴ - تخصص معلم چهارمین ویژگی تخصص است. سعدی  
معتقد است که کار باید به کاردان سپرده شود و از تخصص استفاده  
گردد و اگر چنین نشود زیان های جبران ناپذیری به وجود خواهد  
آمد.

ندهد هوشمند روشن رأی به فرومایه کارهای خطیر

بورباباف اگر چه بافنده است نبرندش به کارگاه حریر

### برنامه

سعدی در باره ی اهمیت علم، ارزش علم آموزی، اهمیت عمل  
به علم و ویژگی های معلم صحبت کرده است، ولی درباره ی برنامه  
آموزش چیز زیادی نوشته. اندیشه او بیشتر حول مسائل تربیتی  
(تربیت به معنی عام) حرکت دارد.

دکتر عیسی صدیق به این نکته اشاره می کند: در خصوص  
برنامه، سعدی تمام توجهش به پرورش اخلاقی است و به همین  
جهت کمتر وارد مواد درسی شده و به کلیاتی از قبیل فرهنگ و خرد  
اکتفا کرده و فقط هنر و صنعت را به صراحت تأکید کرده است<sup>(۱)</sup>.

چو خواهی که نامت بماند بجای

پس سرا خردمندی آموز و رای

بیاموز پرورده را دسترنج

وگر دست داری چو قارون به گنج

و یا: توانگری به هنر است نه به مال.

چو بر پیشه ای باشدت دسترس

کجا دست حاجت بری پیش کس

این گذری کوتاه به اندیشه های تربیتی سعدی بود. امید است  
علاقتمندان با تلاش و پشتکار بیشتر حق مطلب را ادا فرمایند و از  
گنجینه ی دانش و خرد بزرگان کشور سود ببرند و به دیگران بهره  
برسانند.

۱- عیسی صدیق: تاریخ فرهنگ ایران از آغاز تا زمان حاضر، ۱۳۴۲، ص